

۱۴۱۸۷۵۲

ادوارد سوچا

پسا کلان شهر

مطالعات منطقه‌ای شهرها و مناطق

مترجم

نرگس خالصی مقدم

www.ketab.ir



۱۳۹۶

پسا کلان شهر مطالعات منطقه ای شهرها و مناطق

نویسنده: ادوارد سوچا

مترجم: نرگس خالصی مقدم

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
به سفارش و زیر نظر اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
حق چاپ محفوظ است.

آدرس: تهران، کوی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،
پلاک ۳۵، پدبستی: ۱۵۱۸۷۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۷۷۴۵۶۹ - ۷۰؛
فکس: ۸۸۷۷۲۰۰۲؛ تلفن: ۸۸۶۶۵۷۲۸ - ۲۹؛ تلفکس: ۸۸۶۷۷۵۴۴ - ۴۵

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان آنتون، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ - ۱۶ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت شهر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛
تلفن: ۸۸۰۰۰۳۸۰۶ - ۷

فروشگاه سه: بزرگراه شهید ستادی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی
(نمایشگاه و فروشگاه دانشکده)

فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، روبه روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه
محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱



انتشارات علمی و فرهنگی



نمایشگاه اسرار منطقه ای و فرهنگی
بروز به مناسبت اجتناف و فرهنگ

مترجم: سوچا، ادوارد دیلیو، ۱۹۴۰ - ۲۰۰۵
عنوان و نام پدیدآور: پسا کلان شهر - مطالعات منطقه ای شهرها / مناطق / ادوارد سوچا؛ مترجم: نرگس
خالصی مقدم

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۴۷۴ ص.؛ نقشه

شابک: ۹۷۸۶۰۰۱۲۱۰۷۷۰۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Postmetropolis - Critical Studies of Cities and Regions, 2000

یادداشت: کتابنامه

موضوع: شهرها و شهرستانها

موضوع: شهرهای بزرگ

موضوع: شهرنشینی

موضوع: رفتار فضایی

موضوع: فراتجدد

شناسه افزوده: خالصی مقدم، نرگس، ۱۳۶۰ - مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ س۹/ ۱۱۹ HT

رده بندی دیویی: ۳۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۹۲۳۷۵

فهرست

۱۵	یادداشت مترجم
۲۳	پیش گفتار

بخش اول: ترسیم مجدد زمین تاریخ فضای شهری

۳۷	پیش درآمد
۳۸	درآمدی بر زمین تاریخ فضای شهری
۴۱	تعریف چارچوب مفهومی
۴۳	ویژگی فضایی شهرنشینی
۴۷	تریالکتیک فضای شهری
۴۹	سینکپس: محرک تراکم شهری
۵۵	منطقه‌ای بودن فضای شهری

۵۹	فصل اول: اولویت بخشی به شهرها
۵۹	بازکاوی سرچشمه‌های شهرنشینی
۶۰	ترتیب متعارف: شکار - گردآوری خوراک - کشاورزی - روستاها - شهرها - ایالت‌ها
۶۶	یک وارونگی محرک: اولویت بخشی به شهرها
۷۰	آموختن از جریکو
۸۰	آموختن از چتل‌هوئوک
۸۲	جیمز ملارت و نوسنگی شهری
۸۸	آموختن از نئو اسیدیان
۹۳	آموختن بیشتر از چتل‌هوئوک

۹۹	فصل دوم: دومین انقلاب شهری
۱۰۱	شهرنشینی نوین
۱۰۶	فضا، دانش و قدرت در سومر

۱۱۱	اور و شهرنشینی نوین
۱۲۱	پیش‌روی با دور تند به سوی انقلاب شهری سوم

۱۲۵	فصل سوم: سومین انقلاب شهری: مدرنیته و سرمایه‌داری صنعتی شهری
۱۲۶	فضای شهری و توالی مدرنیته‌ها
۱۳۲	ظهور کلان‌شهر صنعتی مدرن
۱۳۴	تولید در منچستر
۱۴۲	بازتولید در شیکاگو

۱۵۷	فصل چهارم: کلان‌شهر در بحران
۱۵۸	تمرین نسبت: بحران شهری دهه ۱۹۶۰
۱۶۴	مانوئل کاستلز و مسئله شهری
۱۷۱	«عدالت اجتماعی و شهر: بوید هاروی
۱۷۶	مروری کوتاه بر زمین‌بارزین فضای شهری سرمایه‌داری

۱۸۵	فصل پنجم: درآمدی بر منظومه نظری لاس‌آنجلس
۱۸۷	لس‌آنجلس - از فضا: چشم‌انداز پنجه من
۱۹۰	تناوبی دائمی میان میدان دید و صرف نظر کردن از آن
۱۹۲	۱۹۰۰-۱۸۷۰: پروتستان‌های سفیدپوست انجلس سون در لس‌آنجلس
۱۹۶	۱۹۲۰-۱۹۰۰: دوره پس‌رونده - پیش‌رونده
۱۹۹	۱۹۴۰-۱۹۲۰: خروشان از جنگ تا جنگ
۲۰۲	۱۹۷۰-۱۹۴۰: انفجارهای اورنج کانتی بزرگ
۲۰۷	بازبینی آینده: لس‌آنجلس در سال ۱۹۶۵
۲۱۳	۱۹۷۰ و سال‌های پس از آن: شهرنشینی نوین

بخش دوم: شش گفت‌وگو درباره پساکلان‌شهر

۲۲۱	پیش‌درآمد
۲۲۱	دیالوگ‌های مرزی: مرور گفت‌وگوهای پساکلان‌شهر
۲۲۳	مفهوم‌پردازی فرایندهای نوین شهرنشینی
۲۳۱	بستریابی گفت‌وگوها

۲۳۵	فصل ششم: کلان‌شهر صنعتی پساغوردیستی: بازسازی اقتصاد ژئوپلیتیک شهری
۲۳۵	متون معرف
۲۳۶	گذرگاه‌هایی به جهان‌های شهری تولید
۲۳۷	آنا‌تومی جغرافیایی شهرنشینی صنعتی

۲۴۰	تولید - کار - قلمرو: اصلاح تقسیم کار
۲۴۶	تولید مواد: علیه جامعه‌شناسی پسا صنعتی
۲۴۹	عبور از تقسیمات صنعتی
۲۵۳	پسا - فورد - پسم
۲۵۵	تقویت انعطاف پذیری
۲۵۸	کسب آمادگی و جدیت: افزایش نابرابری
۲۶۱	در درون جهان منطقه‌ای: کشف دوباره سینکسیم
۲۶۸	بومی کردن شهرنشینی صنعتی
۲۶۹	نقشه‌نگاری‌های صنعتی پسا فوردیستی
۲۷۴	دینامیک رشد معرعه صنعتی
۲۷۷	نتیجه‌گیری در علم خط‌مشی عمومی
۲۷۹	فصل هفتم: جهان‌شهر: جهانی شدن فضای شهری
۲۷۹	متون معرف
۲۸۲	بازآرایی گفتمان جهانی شدن
۲۸۳	جهانی بودن تولید و تولید جهانی برون
۲۸۹	جهان‌های منطقه‌ای جهانی شدن
۲۹۷	جغرافیه‌های جدید قدرت
۳۰۵	افزودن فرهنگ به اقتصاد ژئوپلیتیکی جهانی
۳۱۰	بازسازی معنای اجتماعی در فضای جریان‌ها
۳۱۵	نولیرالیسم جهانی شده: یادداشتی مختصر
۳۱۷	کلان‌شهر رها شده: مفهوم پردازی فضای شهری جهانی شده
۳۱۹	فرضیه شهر جهانی
۳۲۳	کنترل حواس ما: ظهور شهرهای جهانی
۳۳۱	دونالیسم شهری، شهر اطلاعاتی و فرایند شهری - منطقه‌ای
۳۳۴	بازگشت به جهان‌شهر
۳۳۹	فصل هشتم: برون‌شهر: بازسازی فرم شهری
۳۳۹	متون معرف
۳۴۱	کلان‌شهر دگرگون می‌شود
۳۴۲	مگا شهرها و کهکشان‌های کلان‌شهری
۳۴۶	شهرهای بیرونی، پسا حومه‌نشینی، و پایان دوره کلان‌شهری
۳۵۷	سبکی طبیعی شهر و نوستالژی پسا کلان‌شهری
۳۵۹	شبه‌سازی شهرنشینی نوین
۳۶۲	برون‌شهر به مثابه سنتز

۳۶۴	 بازنمایی برون‌شهر در لس‌آنجلس
۳۶۴	 آغاز از مرکز شهر جدید
۳۶۷	 پرمردگی شهر داخلی
۳۷۲	 چشم‌انداز میانی
۳۷۵	 شهرهای خارج - از - مرز

۳۸۱	 فصل نهم: شهر فراکتال: قطبش‌های شهری و موزاییک اجتماعی بازسازی‌شده
۳۸۱	 متون معرف
۳۸۴	 تولید نابرابری در پساکلان‌شهر
۳۸۶	 عادی‌سازی نابرابری: زیاده‌روی‌ها در هر دو سو
۳۸۷	 اختلافات: درباره موضوع علت درون‌زاد
۳۹۳	 تشریح قطبش‌های شهر - مع‌شناسی تجربی و پویایی بازار کار
۴۰۱	 فراسوی سیاست برابری
۴۰۶	 بازنگاشت شهر فراکتال در آنجلس
۴۰۸	 نگاهی اجمالی به موزاییک‌های
۴۱۸	 جغرافیاهای تک‌قومیتی: تفکیک فضای شهری
۴۲۳	 جغرافیاهای چندفرهنگی: نگاشت نوع

۴۲۹	 فصل دهم: مجمع‌الجزایر حبس‌بنیاد: حکمرانی بر فضا در پساکلان‌شهر
۴۲۹	 متون معرف
۴۳۱	 مفهوم پردازی مجمع‌الجزایر حبس‌بنیاد
۴۳۲	 لس‌آنجلس در مانند و شعار ستیز اجتماعی
۴۳۷	 تخریب فضای عمومی و معماری شهری امنیتی
۴۴۲	 پلیسی کردن فضا: محکوم به حبس در لس‌آنجلس
۴۴۶	 ورود به شهر ممنوع: حبس مرکز شهر
۴۵۱	 انقلاب داخلی: HOAها، CIDها، اجتماعات محصور، و سبک زندگی ایروله
۴۶۰	 فراتر از سناریوی بلید راتر: بازسازی فضایی حکمرانی محلی

۴۶۵	 فصل یازدهم: شبه‌شهرها: بازسازی تصور شهری
۴۶۵	 متون معرف
۴۶۷	 تصور دوباره فضای شهر: سفرهایی در فراواقعیت
۴۶۹	 ژان بودریار و تقدم تصویر
۴۷۵	 سیسته اولالکویاگا و ضعف روانی پساامردن
۴۷۹	 فضای سایبری و نسل الکترونیک فراواقعیت
۴۸۹	 شبه‌شهرها، شبه‌شهروندان، و بحران برآمده از فراواقعیت

۴۹۶.....شبه‌امریکا: نقد پایانی

بخش سوم: فضای زیسته: بازاندیشی دربارهٔ ۱۹۹۲ در لس‌آنجلس

۵۰۵.....پیش‌درآمد

۵۱۱.....فصل دوازدهم: لس‌آنجلس ۱۹۹۲: پیش‌درآمدی بر یک فرجام

۵۱۱.....بازنگری‌ها

۵۱۶.....بدن‌ها، شهرها، متون: نمونهٔ شهروند رادنی کینگ (نوشتهٔ باربارا هوپر)

۵۱۶.....دست‌نوشته‌ها

۵۱۹.....سوماتوگرافی: هم در مکان

۵۲۱.....این حکم من رانسته باشد؟

۵۲۹.....محاكمه: ما در برابر آن‌ها

۵۳۵.....فصل سیزدهم: لس‌آنجلس ۱۹۹۱: مناخ‌های بازنمودی

۵۳۵.....رخداد - جغرافیا - یادآوری

۵۳۷.....وجه متقابل مرئی: شهر داخلی - مقابل شهر بیرونی

۵۴۱.....محوطه‌های بهنجار شده: توسعهٔ منابع مشترک

۵۴۶.....به یاد آوردن شورش‌های مرئی

۵۵۸.....پیکو یونیون و مفقودشدگان

۵۶۷.....پایانی تکراری

۵۷۳.....فصل چهاردهم: پی‌نوشت: تأملات انتقادی دربارهٔ پساکلا - شهر

۵۷۳.....آغازهای نو ۱: کلان‌شهر در بحران

۵۷۵.....سقوط پسافوردیسم

۵۷۸.....جهانی‌شدن مبالغه‌آمیز؟

۵۸۰.....ناگهان همه‌جا «پومونا» است

۵۸۲.....بازپیمایی سنگرهای سفیدپوستان

۵۸۴.....وضعیت‌های وسازی شدهٔ تنظیم

۵۸۶.....«شبه‌دولت» در بحران

۵۸۸.....آغازهای نو ۲: نزاع بر سر عدالت فضایی و دموکراسی منطقه‌ای

۶۰۳.....کتابنامه

یادداشت مترجم

ساختار و سرگذشت این کتاب را خود نویسنده، ادوارد سوچا، در پیش‌گفتار و مقدمه به طور مفصل شرح داده است. من فقط در این یادداشت به ایده‌های اصلی کتاب اشاره می‌کنم. نه برای این‌که نقشه‌ای برای خواندن آن ترسیم کنم (خود سوچا کم‌وبیش این کار را کرده است) که هیچ نقشه‌ای برای خواندن هیچ کتابی وجود ندارد، بلکه فقط برای این‌که خواننده را به مجرای این لایرنت برسیم و باهاش آشنا شویم. از آخر کتاب شروع می‌کنم. چیزهایی هم درباره خود سوچا و مشخصات اندیشه‌اش خواهم گفت که در چنین یادداشت‌هایی مرسوم است و البته شاید درباره متفکری مانند سوچا که تنها یک مقاله از او در فارسی هست، لازم.

و پولو گفت: دوزخ زندگی چیزی مربوط به آینه نیست؛ اکنون و در حال حاضر اینجا است، دوزخی که هر روز در آن زندگی می‌کنیم که با خدا - هم - بودنمان آن را شکل می‌دهیم. دو راه برای گریز از درد و رنج این دوزخ است: راه اول برای خیلی‌ها آسان است: دوزخ را بپذیر و چنان بخشی از آن شو که دیگر نتوانی ببینی‌اش. راه دوم راهی مخاطره‌آمیز است و مستلزم مراقبت و هوشیاری مداوم: یاد بگیر که چه کسانی و چه چیزهایی در این دوزخ، دوزخی نیستند، به آنها بردباری بیاموز و فرصت بده.

کالوینو

ندایی خطاب به لحظه سیاسی کنونی.

سوچا

سوجا در اولین پاورقی فصل ۱۳ کتاب می‌گوید این تمام آن چیزی است که سعی دارد در دو فصل پایانی با کولاژ اندیشه‌ها انجام دهد: «بفهمید که چه کسانی و چه چیزهایی دوزخی نیستند...». اما در حقیقت، سراسر کتاب حاضر کولاژی از متون مکتوب بی‌شمار، تصاویر، فیلم‌ها و صداهایی است که برآمد آن همین نداست و قطعات این کولاژ با ایده اصلی سوجا مبنی بر ظهور گونه جدیدی از شهر، پساکلان‌شهر، بر بستر وقایع بی‌شمار تاریخ شهر نظم یافته است. این کتاب مشخصاً واجد بینشی سیاسی است، و این بینش بیش از هر چیز، از هژمونی کالبد فیزیکی و مفهوم عدالت فضایی که بر پیشانی تمام تحلیل‌های سوجا است، پیوند دارد.

خلاصه حرف سوجا این است: عدالت جغرافیایی دارد و توزیع برابر منابع، خدمات و دسترسی به آنها مبنای حقوق بشر است. بر مبنای ملاحظات جاری در جغرافیای انتقادی و آگاهی فضامند جدید، سوجا نظریه و عمل را درهم می‌آمیزد و شیوه‌های جدید فهم و تغییر جغرافیاهای ناعادلانه‌ای را ارائه می‌دهد که ما در آن زندگی می‌کنیم. پس از ترسیم تکامل عدالت فضایی و مفهوم به شدت مرتبط «حق به شهر» در کار لو فور، هاروی و دیگران، او نشان می‌دهد که چگونه این ایده‌ها اکنون در طریق رشته‌ای از مطالعات موردی در لس‌آنجلس به کار می‌روند؛ شهری که در سطح مقدم این حرکت است.

آرای به بحث گذاشته‌شده در این کتاب تقریباً تمامی جوانب زندگی شهری معاصر را دربرمی‌گیرد. سوجا از خلال این انبوه، این وسعت و «اکم» ما هیم، دغدغه بازنمایی چندین ایده نهفته در ایده اصلی را دارد. اول از همه کوشیده است «انقلاب شهری را در تاریخ تمدن بشری پیش از انقلاب کشاورزی بنشانند. این ایده ضدی کتاب است. وقتی پای سرمایه به شهر باز می‌شود، ضرب‌آهنگ صدای سوجا کرکننده است. و زندگی را، خود ناب زندگی را با همه ظرایفش در حال حاضر جهان شهری روایت می‌کند.

پساکلان‌شهر یک اصطلاح جاه‌طلبانه است که می‌تواند خلاصه «کلان‌شهر پسامدرن» باشد. اما دلیل این انتخاب را دو صفحه بعد در جایی که درباره سوجا و از زبان خودش می‌خوانیم، خواهیم فهمید. با این اصطلاح سوجا قصد دارد شهر جهانی‌شده را تعریف کند که به‌زعم وی در یک فرایند گذار رادیکال از شهر مدرن، میوه انقلاب سوم شهری، به پساکلان‌شهر، میوه نوسازی اقتصادی کاپیتالیستی و انقلاب شهری چهارم قرار دارد.

«پساکلان‌شهر» در رقت و روبا تاریخ آمرانه عمل می‌کند، با سرچشمه‌های شهرنشینی

در طول دوره نئولیتیک آغاز می‌شود و از طریق مجموعه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی / اقتصادی ادامه می‌یابد. از وجهی، و با کمی تقلیل‌گرایی، کار سوچا می‌تواند نقدی بر «شهر در تاریخ» مامفورد باشد.

سوچا تفسیرش را بر تأثیرات منفی جهانی‌شدن و اقتصاد جدید سرمایه‌داری منعطف متمرکز می‌کند، با این خوش‌بینی که می‌توان نشان داد که این مسائل با عمل سیاسی هم‌نوا هستند.

او شهر و زندگی شهری امروزه را همان‌طور می‌بیند که سرتاسر دوازده هزار سال توسعه جامعه شهری، را؛ به شکل فضایی مولد و مبتنی بر علت و معلول. وی برای اینکه این دیدگاه فضایی، بهومی را روشن کند، آن را بر مبنای حرف‌های هانری لوفور شرح می‌دهد. کریستین بورشار در مباحثه‌ای از سوچا می‌پرسد: «یکی از مفاهیم اصلی کار اخیر شما مفهوم «فضای سوم» است. منظور شما از «فضای سوم» چیست؟

سوچا پاسخ می‌دهد: «این تعبیر فضای سوم برای اشاره به شیوه خاص تفکر درباره فضای اجتماعاً تولیدشده استفاده می‌کند. این شیوه فضا‌مندی زندگی ما، جغرافیاهای انسانی که ما در آنها زیست می‌کنیم، به همان اندازه حساس و مهم تلقی می‌شوند که ابعاد تاریخی و اجتماعی. این دغدغه مبنای نوشته‌های من در دو دهه اخیر بوده است».

این همان حرفی است که سوچا در مقاله «تاریخ، جغرافیا، مدرنیته» می‌زند: «اگرچه ممکن است جغرافیا هنوز در قلب نظریه و نقادی ما در جایگزین تاریخ نشده باشد لیکن مجادله سرزنده تازه‌ای در فضای سیاسی و نظری به راه داده است. مجادله‌ای که سرشار از طریقه‌های مهم متفاوتی مبتنی بر در نظر گرفتن زمان و فضا است. یکا بگر است، سرشار از نقش متقابل تاریخ و جغرافیا. مجادله‌ای آگاه به ابعاد عمودی و افقی وجود در جهانی که از تحمیل برتری قاطعانه فطری یکی بر دیگری آزاد شده است».

بنابراین، سوچا فضا را در اولویت قرار می‌دهد، پیش از ادبیات، یا ناخودآگاه، یا نظریه گفتمان، یا تاریخ، یا ماتریالیسم تاریخی، تا از طریق آن به طور عملی و نظری پیچیدگی‌های جهان پست‌مدرن را قابل درک کند. او در فرمول‌بندی فضایی‌اش از مفهوم سینکسیسم^۲ به عنوان «شرایطی که از سکونت با یکدیگر در یک مکان یا فضای مسکونی

1. Christian Borch

2. synekism

خاص ناشی می‌شود»، استفاده می‌کند.

سینکیسم در اینجا محدود به لحظه تشکیل شهر نیست، بلکه به عنوان فرایندی مستمر و به شدت سیاسی شده رشد و توسعه شهری، فرایندی پویا که دائماً با منبع تهییج اشتراک مساعی اجتماعی درگیر است و بخشی از همان ذات زندگی شهری است، دیده شده است. سینکیسم فرموله شده با این روش؛ خلاقیت، نوآوری، هویت ارضی، آگاهی سیاسی و توسعه اجتماعی ناشی از زندگی در کنار همدیگر به صورت متراکم و در مناطق شهری ناهمگون را دربرمی‌گیرد. با این برداشت، او سینکیسم را به عنوان محرک تراکم شهری تعریف می‌کند و آن را مستقیماً در ارتباط با آنچه می‌توان ویژگی فضایی شهرنشینی - موجودیت‌های فضای یا جغرافیاهای واقعی و تصویری، مادی و نمادین زندگی شهری نامید، قرار می‌دهد.

او سه انقلاب شهر را حصول محرک نوآورانه تراکم شهری می‌داند و زمین‌تاریخ فضای شهری را حول و حوش آنها صورت‌بندی می‌کند.

از نظر او، بازسازی تولید انبوه، معارف انبوه و سرمایه‌داری‌های مبتنی بر دولت رفاه که به توسعه شهری پس از جنگ منتهی شدند، بیش از هر دوره مشابهی در گذشته، به مثابه یک فرایند اساساً فضایی به چشم آمده‌اند. بخش زیادی از صنعت‌زدایی بر فضاها، مناطق، و خوشه‌های صنعتی جدید متمرکز شد.

در «پساکلان‌شهر» هم‌زمان فرایندهای قلمروزدایی با قلمروزایی همگرا می‌شوند. برای مثال، فرایندهای تجزیه و قایع شهری از پیش موجود و با عمار مجدد شهر. اولی با تضعیف ایده مکان و جماعت‌های اجتماعی با قلمروهای تعریف شده، مشخص می‌شود و دومی با ظهور یک فضاوندی جدید که در آن آنچه شهری است آنچه غد شهری است تفکیک‌ناپذیر است، و حدود میان امر درونی و بیرونی مبهم می‌شوند؛ جایی که در آن مفاهیمی مثل «شهر»، «حومه»، ناحیه کلان‌شهری، به سختی قابل تفکیک‌اند.

سوجا معتقد است فرم شهری جدید به طور فزاینده‌ای دوگانگی ساده‌ای را که کلان‌شهر مدرن حکمفرما کرده بود، از بین برده است؛ تفکیک میان یک شهر مرکزی به شدت سینکیستیک^۱ و ناهمگن و متراکم، و جهان خواب‌آلود و همگن حومه‌ها را. این پیرامونی شدن پارادوکسیکال هسته، نامتوازن‌ترین شهرها را از نظر فرهنگی در تاریخ به

وجود آورده و به طور هم‌زمان نابرابری‌ها و قطبی‌سازی رفاه و قدرت طبقاتی، نژادی، قومی و وضعیت مهاجران را تشدید کرده است.

در نظر او، برخلاف پیشگویی عده‌ای که می‌گویند تراکم‌ها و سینکسیم کارایی‌شان را با پایان جغرافیا و مرگ فاصله در عصر اطلاعات جدید از دست می‌دهند، محرک تراکم شهری به شکل متفاوتی، به صورت سازمان‌دهی شده در گره‌های چندگانه در شبکه‌های منطقه‌ای حضور دارد.

سوجا با دنبال کردن شش گفتمان مفهوم پساکلان‌شهر را شرح می‌دهد که به پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی‌ای اشاره دارند که در کلان‌شهر پسامدرن ملازم یکدیگرند: گفتمان نوسازی اقتصادی که در آن پساکلان‌شهر به عنوان یک فضای تولید معرفی می‌شود؛ گفتمان جهانی‌شدن سرمایه، و فرهنگ که در آن پساکلان‌شهر یک جهان‌شهر بی‌نهایت ناهمگن به نظر می‌رسد؛ گفتمان نوسازی فضای شهری که در آن پساکلان‌شهر دستخوش فرایندهای ترکیبی مرکز-پایه و باز-مرکزیایی می‌شود؛ گفتمان اجتماعی که در آن پساکلان‌شهر فراکتال، تکه‌تکه و باز-مرکزی است، و در نهایت، دو گفتمان آخری که بر بهترین نمونه پساکلان‌شهری یعنی لندن استوار است.

اما سوجا کیست و چه فکر می‌کند؟ این یک سخنرانی در دانشگاه^۱ خودش را این‌طور معرفی می‌کند:

من خود را چه نوع شهرشناسی می‌دانم؟ من از آنها به چه شیوه‌ای می‌نویسم؟ من، اول از همه، یک شهرشناس انتقادی هستم، به این معنی که بیشتر از مکتب فرانکفورت نظریه انتقادی متأخرم، و همین‌طور از مکتب دیالکتیک و اکتولوژی شهری. مانند دیگر متفکران انتقادی، دانشی را جست‌وجو می‌کنم که نه تنها دقیق، بلکه برای تغییر و بهتر شدن جهان نیز مفید است. همچنین به همان اندازه که شهرشناس هستم، منطقه‌شناس هم هستم. می‌توان کار مرا مطالعات انتقادی شهرها و مناطق نامید؛... هرچند من پسوند *ist* را جلدی می‌گیرم و از امتیازات مثبت شهرنشینی و منطقه‌گرایی طرفداری می‌کنم، تفسیرم را بر تأثیرات منفی جهانی‌شدن و اقتصاد جدید سرمایه‌داری منعطف متمرکز می‌کنم؛ با این خوش‌بینی که می‌توان

۱. متن این سخنرانی با عنوان «نوشتن شهر به روش فضایی» را مترجم در مجموعه مقالات مطالعات شهری ترجمه کرده است.

نشان داد این مسائل با عمل سیاسی هم‌نوا هستند.

پس آیا من به همان اندازه یک شهرشناس مارکسیست هم هستم؟ قطعاً پاسخ بله و خیر است. وقتی سعی می‌کنم بفهمم چگونه زندگی شهری معاصر اساساً طرفدار سرمایه‌داری است، یعنی هنگامی که زمان حال را در پیوستگی مُصرّانه‌اش با گذشته دنبال می‌کنم، از مارکسیسم الهام می‌گیرم. ممکن است این امر زیرکانه باشد، اما کافی نیست. برای اینکه یک نتیجه‌گیری قابل درک درباره زمان حال به دست دهم، و نیز اشتیاق‌های ناشناخته را به سوی انقلاب همگانی هدایت کنم، از مارکسیسم شهری محققانی مانند دیوید هاروی آغاز می‌کنم؛ ابتدا برای تأکید بر اهمیت اینجا و اکنون و آنچه در جهان معاصر جدید و متفاوت است، از این درک استفاده می‌کنم؛ اما در همه معرفت‌شناسی‌های جافافاده که شامل مارکسیسم هم می‌شود، تجدید نظر نمی‌کنم؛ بنابراین رویکرد من به عصر جهانی‌شدن کنونی، بازسازی اقتصادی و تکنولوژی ارتباطی نوآورانه با نشان دادن این‌که چگونه مارکس به ماهیت‌های سرمایه‌داری و اثرات آن بر زندگی شهری دست یافت، شروع نمی‌شود و پایان نمی‌گیرد. در عوض، من برصدهای متفاوت و تازه‌ای را جست‌وجو می‌کنم تا در عمل اجتماعی و کنش فضایی‌ای درگیر شوم که منحصرأ در تحول سرمایه‌داری به سوسیالیسم ارزیابی نشده، بلکه گسترش امکانات برای یک سوسیالیسم دموکراتیک و منعطف در درون بهانه سرمایه‌داری موجود را در نظر دارد.

این مسئله فی‌نفسه ردّ مارکسیسم نیست، بلکه امتناع از همه اشکال انحصاریافته و طبقه‌بندی‌شده تفکر انتقادی است، آن دوتایی‌های صلب و سنت که بر تشکیل یک گزینه نامنعطف میان سرمایه‌داری در مقابل سوسیالیسم سرمایه‌داری در برابر کار، امر بد و امر خوب اصرار دارند. وقتی مجبور به انتخاب باشم، ابایی از گزینش جهتی که در آن هستم، ندارم، اما جوانب را به روشی بازتر و فراگیرتر انتخاب می‌کنم که امکانات، استراتژی‌ها، ائتلاف‌ها و تصمیم‌های جدید را، علاوه بر تغییرات عمیق در روش‌های موجود تحلیل انتقادی حفظ کند. این ردّ منطق دوتایی، نقطه کانونی مطالعات انتقادی من درباره شهرها و مناطق است و مرا به مسیر دیگری هدایت می‌کند.

من متعلق به گروه نسبتاً کوچک محققانی هستم که از این که جزء پسامدرن‌های رادیکال یا انتقادی به شمار آیند، ابایی ندارند. می‌گویم گروهی کوچک، برای این که در جناح چپ، همان‌طور که در راست، یک عقیده راسخ فناپذیر وجود دارد مبنی بر این که پسامدرنیسم رادیکال یک ناسازه است، یک تناقض‌گویی غیرقابل تحمل در شرایط موجود. گفته می‌شود که وضعیت پسامدرنیته، با اعلامیه‌های جورواجورش درباره سرگذشت‌ها و پیروزی‌ها، و افزایش سهمگین فقر و قطبی‌سازی در آن، به روشنی به وسیله جناح محافظه‌کار برای استفاده از نیرو و سیاست‌های نئولیبرال و غسل تعمیددهی معاصر غلبه یافته است. مطمئناً قصور در تداعی معانی است. چگونه کسی می‌تواند رادیکال و پیشرو باشد و با وجود این، از روی پسامدرن برای مطالعه جهان معاصر طرفداری کند؟ آیا دست دشمنی بر کار نیست، حتی اگر نیتش خیر باشد؟

کل جهان‌بینی شهری سوچا را می‌توان در معارفه بالا فهمید و آن را به همه پروژه‌های مکتوب و نامکتوب شهری‌اش سنجاق کرد. در این کتاب سراسر حادثه هم چراغ این بینش روشن است. امیدوارم بینش سوچا چیزی به دانش مطالعات شهری ما اضافه کند و همان‌طور که خود او به نقل از چمبرز می‌گوید: «به بازاندیشی در کلان‌شهر بینجامد، به بازگشت مداوم به وقایع، به بسط دوباره آنها و تدبیر نظر در آنها... برای بازخوانی، بازگویی و مکان‌یابی آنچه بر دانش فرهنگی و تاریخی ما گذارد برای فراخوانی و یادآوری بقایای تاریخی که در اکنون، در لحظه خطر، ناگهان جرقه می‌زنند و شعله می‌کشند». در پایان، از همه کسانی که به‌ویژه با حوصله و شکیبایی خالص در فضا ترجمه این کتاب را فراهم کردند، تشکر می‌کنم.

مرکس خالصی مقدم

تهران، تابستان ۱۳۹۴